

تأثیر رقابت خاورمیانه‌ای روسیه و آمریکا بر جایگاه منطقه‌ای ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۹)*

الهه کولایی^۱، امین نایینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

چکیده

حضور مستقیم نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۵، یکی از مهم‌ترین تغییرهای استراتژیک در معادلات خاورمیانه را ایجاد کرده است. روسیه بعد از تقویت سیاست چرخش به شرق در سال ۲۰۱۲ و سپس با پیوسته سازی کریمه به خاک خود در سال ۲۰۱۴ و سرانجام در سال ۲۰۱۵ با دخالت نظامی در سوریه در یک نزاع ژئوپلیتیک با ایالات متحد آمریکا قرار گرفته تا بدترین شرایط در روابط میان این دو بازیگر جهانی بعد از پایان جنگ سرد پدید آید. رقابت مسکو و واشنگتن در حالی بار دیگر پس از جنگ سرد به خاورمیانه کشیده شد که جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفظ و تقویت خود در بی‌نظمی ناشی از بهار عربی بوده است. با توجه به سیاست‌های کلی ایران در منطقه که بر تضعیف نظم آمریکایی بنا شده است، تهران در سال‌های اخیر روابط خود با روسیه را بیشتر گسترش داده است. این رابطه در «حفظ بشار اسد در قدرت» به همپوشانی منافع رسیده است. این مقاله با روش کیفی و تحلیلی درصدد است تا روابط ایران، روسیه و ایالات متحد را در غالب یک چرخه به‌هم‌پیوسته در نظر گرفته و با ارزیابی تأثیر رقابت روسیه و آمریکا نشان دهد که چنین رقابتی به افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه در دهه گذشته کمک کرده است.

واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، خاورمیانه، روسیه، رقابت

^۱ استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ekolaee@ut.ac.ir

^۲ دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران

* این مقاله با حمایت مالی مرکز اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران تهیه شده است.

۱- مقدمه

با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، نظریه‌هایی مانند پایان تاریخ و هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل توجه بسیاری را به خود جلب کرد. با این حال روند یک‌جانبه‌گرایی آمریکا که در آن تقریباً هیچ رقیب جدی را پیش روی خود نمی‌دید، دوام چندانی نداشت و با آغاز هزاره سوم کاهش یافت. تلاش ولادیمیر پوتین از زمانی که در سال ۲۰۰۰ به قدرت رسیده، تاکنون این بوده که روسیه بار دیگر به‌عنوان یک قدرت جهانی دیده شود. در این میان یکی از شاخص‌های مهمی که در تلاش‌های بین‌المللی روسیه نقش مهمی داشته، رابطه با ایران بوده است. در واقع در نگاه کرملین، تهران به‌عنوان بازیگری که همواره دیدگاه‌هایی مخالف با آمریکا داشته، فرصتی است که روس‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از این اهرم برخی سیاست‌های خود را به آمریکا بقبولانند. نقش ایران در سیاست خارجی روسیه بعد از سال ۲۰۱۵ بیش‌ازپیش تقویت شد. هر دو کشور خواستار بقای بشار اسد در قدرت بوده‌اند. این رویکرد در مقابل مواضعی است که غرب و به‌ویژه ایالات متحده در یک دهه اخیر در سوریه دنبال کرده‌اند. نتیجه چنین معادله‌ای همکاری‌های نزدیک تهران و مسکو در ابعاد نظامی و امنیتی در سوریه بوده است. این همکاری که با پیشروی نیروهای بشار اسد همراه شد به‌طور مستقیم به کاهش نفوذ ایالات متحده در این منطقه و تضعیف هدف‌های واشینگتن در خاورمیانه منجر شده است.

از سوی دیگر عقب‌نشینی آمریکا از برخی سیاست‌های خود، از جمله نادیده‌گیری اوپاما در مورد خط قرمزی که درباره استفاده سلاح‌های شیمیایی در سوریه اعلام کرده بود، شاهدهی دیگر بر این مدعا است که روسیه توانست در میدان سوریه نسبت به رقیب دیرینه خود یعنی ایالات متحده بهتر عمل کند. روسیه با مداخله در سوریه، موقعیت خود را به‌عنوان قدرت بزرگ در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی تحکیم بخشیده و ثابت کرده که هیچ راه‌حلی برای بحران‌های بزرگ در پیرامون روسیه بدون حضور این کشور وجود ندارد. اگرچه با حضور دونالد ترامپ در قدرت در سال ۲۰۱۷، او تلاش کرد سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا را به شکل جدیدی تنظیم کند، اما رویکرد ترامپ نیز نتوانست معادلات در سوریه را تغییر دهد تا جایی که رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، بارها از عزم خود بر خروج کامل از سوریه گفت. هرچند که این سیاست شکل نگرفت، اما کاهش حضور آمریکایی‌ها در سوریه، فرصتی شناخته می‌شد که میدان بیشتری را در اختیار روسیه و ایران قرار می‌داد. بی‌میلی آمریکا برای نقش داشتن در سوریه، در حالی بود همکاری‌های نظامی - امنیتی منطقه‌ای، برای نخستین بار میان تهران و مسکو شکل گرفت. به‌طور کلی زنده شدن نفوذ روسیه خاورمیانه و رقابت آن با آمریکا، نقطه عطفی در تغییرهای کلان خاورمیانه شناخته می‌شود که با قرار دادن نظم امنیتی منطقه در یک وضعیت گذار، در دوره‌ای که بهار عربی نیز چنین فرصتی را فراهم کرده بود، موجب افزایش تحرک دیگر بازیگران، از جمله ایران شد. این مقاله با طرح این پرسش که رقابت روسیه و آمریکا در خاورمیانه در یک دهه گذشته، چه تأثیری بر جایگاه منطقه‌ای ایران داشته است؟ در پی ارائه شواهدی است که نشان می‌دهد ایران از این رقابت سود برده است.

۲- پیشینه پژوهش

تأثیرپذیری روابط ایران، روسیه و آمریکا از یکدیگر موضوعی است که در گذشته نیز نمودهای ویژه خود را داشته است. ولادیمیر پوتین از سال ۲۰۰۰ که به قدرت رسید تاکنون در پی این بوده که روسیه بار دیگر به‌عنوان یک قدرت جهانی شناخته شود. در این میان یکی از شاخص‌های مهمی که در رابطه تلاش‌های بین‌المللی روسیه نقش مهمی داشته، رابطه با ایران بوده است. در واقع انتظار روس‌ها برای شکل‌گیری یک جهان چندقطبی از ابتدای هزاره سوم وجود داشت و در نگاه مسکو نظم فعلی جهان ناپایدار و موقت برآورد می‌شد. کرملین همواره مترصد زمانی است که موازنه قدرت جدیدی در جهان شکل بگیرد (Duke, 2004:475). آغاز فصل همکاری‌های جدی ایران و روسیه به نیمه دهه ۹۰ قرن بیستم بازمی‌گردد، زمانی که دو کشور قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر را امضا کردند. اگرچه این قرارداد در روسیه با مخالفت‌هایی همراه بود، اما اقتصاد ضعیف شده آن بعد از فروپاشی در چارچوب جدید سیاست خارجی این کشور، به این قراردادی ۷۰۰ میلیون دلاری نیاز داشت. همچنین ازنظر سیاسی - امنیتی نیز از اهمیت بالایی برای اوراسیاگرایان برخوردار بود تا ضمن همکاری با آژانس، در این طرح در زمینه کنترل‌های ایمنی از آژانس بهره ببرند. (کولایی، ۱۳۸۵:۶۹) در واقع هرچند روابط ایران و روسیه در نیمه دهه ۹۰ میلادی به‌سوی بهبودی رفت، اما دیری نپایید که فشارهای ایالات متحد مسیر این گسترش را متوقف کرد. شدت مشکلات اقتصادی که می‌توان از آن به‌عنوان بحران نام برد، در کنار اختلاف‌های سیاسی شرایطی را فراهم آورد تا ناگزیر کرملین به توافق با کاخ سفید تمایل پیدا کند. با افزایش نگرانی‌های ایالات متحد در مورد گسترش روابط ایران و روسیه، در سال ۱۹۹۵ در پی دیدار ال‌گور، معاون رئیس‌جمهوری وقت آمریکا و نخست‌وزیر روسیه ویکتور چرنومیردین، مسکو با توقف صدور تسلیحات به ایران موافقت کرد (Freedman, 2006:7).

نمونه‌ای دیگر از تأثیر رابطه مسکو- واشینگتن بر تهران- مسکو، در دولت محمود احمدی‌نژاد در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ شکل گرفت که بیش از هر زمان دیگری توجه به روسیه موردنظر دولتمردان ایرانی بود و تهران با رد رابطه با غرب موضوع نگاه به شرق را محور سیاست خارجی خود قرار داده بود. روابط ایران و روسیه در مهروموم‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۰ اگرچه با پشتیبانی مسکو از احمدی‌نژاد در رویارویی با تظاهرات خیابانی پس از انتخابات ۲۰۰۹ همراه بود، اما در بعد بین‌المللی و برآورده نشدن انتظاراتی که دولت احمدی‌نژاد از روسیه داشت، رو به کاهش رفت. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ روسیه پس از تأیید مصوبه‌های شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای، به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی مثبت داد. روسیه با توجه به قرار گرفتن ایران در مرزهای جنوبی‌اش، با دقت و توجه بسیار برنامه هسته‌ای آن را زیر نظر داشته است. روسیه در این دوره، پاداش مناسبی را نیز از آمریکا برای چرخش علیه تهران دریافت کرد. در پرتو سیاست‌باز شروع در روابط روسیه و آمریکا در دوره مدودیف و اوباما، تعلیق گسترش ناتو به شرق به‌ویژه به اوکراین و گرجستان، تعلیق برنامه استقرار منطقه سوم سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپای شرقی، موافقت با بستن پیمان استارت، موافقت آمریکا با پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، از سرگیری فعالیت شورای

روسیه - ناتو و طرح موضوع استقرار سپر دفاع ضد موشکی مشترک بین طرفین در نشست سران روسیه و ناتو در لیسبون در نوامبر ۲۰۱۰ صورت گرفت (Ryabkov, 2012:12)

در نمونه‌ای دیگر روسیه در سال ۲۰۱۵ و بعد از حدود ده سال تأخیر، قرارداد فروش سامانه اس-۳۰۰ را در حالی اجرایی کرد که روابط مسکو و واشنگتن به تیرگی بسیار گراییده بود. این قرارداد که در سال ۲۰۰۷ به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار امضا شده بود، به سبب تحریم‌های شورای امنیت که روس‌ها نیز به آن رأی موافق داده بودند، در سال ۲۰۱۰ تعلیق شد (Ternin & Mlashenko, 2010:23).

۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری که در این مقاله مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و رفتار روسیه را به‌عنوان مهم‌ترین حلقه رابطه سه کشور ایران، روسیه و آمریکا را تحلیل می‌کند، واقع‌گرایی تهاجمی است. واقع‌گرایی تهاجمی در آثار جان مرشایمر و فرید زکریا بیش از دیگر نظریه‌پردازان دیده می‌شود. مرشایمر در کتاب خود با عنوان «تراژدی قدرت‌های بزرگ» پنج مفروض را برای واقع‌گرایی تهاجمی تعریف می‌کند. مفروض نخست این است که نظام بین‌الملل بر اساس آنارشی است اما این به معنی بی‌نظمی یا هرج‌ومرج نیست، بلکه نظامی بدون یک اقتدار مرکزی با دولت‌های مستقل وجود دارد که قانون مشروع فرا دولتی وجود ندارد. در واقع حکومت حکومت‌ها در نظام بین‌الملل دیده نمی‌شود. در دیدگاه دوم مرشایمر مفروض دوم این است که قدرت‌های بزرگ به‌طور طبیعی ظرفیت نظامی تهاجمی دارند که قدرت تخریب و نابودی دیگران را به آن‌ها می‌دهد. در مفروض سوم او این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد نیت دیگران مطمئن باشند. در مفروض چهارم او می‌گوید بقا هدف اصلی و اولیه قدرت‌های بزرگ است، بقا بر دیگر انگیزه‌ها غلبه دارد، چرا که دولتی که فلج شده است، نمی‌تواند در موقعیتی باشد که دیگر هدف‌های خود را دنبال کند. استالین در سال ۱۹۲۷ می‌گوید: «ما می‌توانیم و باید سوسیالیسم را در شوروی بسازیم، اما به‌منظور انجام آن، قبل از هر چیز باید وجود داشته باشیم.» سرانجام در مفروض پنجم مرشایمر استدلال می‌کند که دولت‌ها بازیگران منطقی هستند. آن‌ها از محیط خارجی خودشان آگاه هستند و به‌طور راهبردی درباره اینکه چگونه بقای خود را حفظ کنند می‌اندیشند (Mearsheimer, 2001:30-31). فرید زکریا در تعریف خود از واقع‌گرایی تهاجمی بر عوامل ذهنی تأکید می‌کند که در مفهوم شوک ادراکی تجلی می‌یابد که بر اساس آن رویدادهای خاصی می‌توانند سبب شوند سیاستمداران ناگهان متوجه تأثیر بلندمدت روندهای مربوط به قدرت شوند (Zakria, 1998:11).

روسیه در خاورمیانه و واقع‌گرایی تهاجمی

با آغاز به کار ولادیمیر پوتین در کرملین به‌عنوان رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، این کشور گام‌به‌گام در مسیر افزایش قدرت خود پیش رفته است. با توجه به آنکه دو هدف اصلی پوتین بازگشت روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی و نوسازی اقتصادی است، کرملین در ۱۸ سال گذشته تلاش کرده در این مسیر پیش برود. همان‌گونه که واقع‌گرایی

تهاجمی استدلال می‌کند، کشورها با افزایش ثروت در پی افزایش قدرت و توسعه نفوذ خود در مناطق خارج از مرزها می‌روند. افزایش قیمت نفت توانست این فرصت را به روسیه بدهد تا به اقتصاد خود سروسامان و سرمایه‌گذاری در بخش نظامی را نیز افزایش دهد. به این ترتیب برای نخستین بار روسیه به دنبال خرید تجهیزات نیز رفت. در جنگ اوستیای جنوبی استفاده دولت گرجستان از پهبادهای پیشرفته اسرائیلی با نام هرمس-۴۵۰ اس روسیه را دچار مشکل کرده بود.

فروش این پهبادها سبب ناراحتی مسکو از تل‌آویو شد. با این حال روسیه خواستار خرید این نوع تجهیزات مدرن از اسرائیل شد. این برای نخستین بار بود که روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تسلیحات جهان، خواستار خرید تجهیزات نظامی از یک کشور دیگر بود (Katz & Bohbot, 2017). افزایش ثروت و به دنبال آن گسترش توان نظامی یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های واقع‌گرایی تهاجمی است. نگاهی به بودجه نظامی روسیه در سال‌های اخیر نشان‌گر تغییر در هدف‌ها و استراتژی‌های کرملین است. نمودار صفحه بعد میزان رشد هزینه‌های نظامی فدراسیون روسیه از هنگام جدایی جمهوری‌های عضو اتحاد شوروی از یکدیگر تا سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد. اگرچه رویکرد تهاجمی مسکو نسبت به جنگ گرجستان و پیوسته سازی شبه‌جزیره کریمه در نگاه روس‌ها به عنوان راهکاری برای مقابله با امنیت و بقای کرملین مورد نظر قرار گرفت و می‌توان آن را متن واقع‌گرایی تدافعی قرارداد، اما حضور در سوریه و بازگشت به خاورمیانه با دیدگاهی مبتنی بر واقع‌گرایی تهاجمی و در جهت افزایش قدرت در دستور کار مسکو قرار گرفت.

هرچند بشار اسد به عنوان متحد سنتی روس‌ها در خاورمیانه شناخته می‌شود، اما سقوط او نمی‌توانست تهدیدی علیه بقای حاکمیت در مسکو باشد و تنها بخشی از منافع روسیه را کاهش می‌داد؛ اما بحران سوریه فرصتی بود که مسکو را به عنوان یک قدرت جهانی برای بازی در خاورمیانه دعوت می‌کرد. در حالی که بشار اسد از سال ۲۰۱۱ با چالش خیزش‌های مردمی و بعد از آن جنگ داخلی روبه‌رو شد و دولت او در خطر بود، اما روس‌ها در سال ۲۰۱۵ حاضر به ورود به این کشور شدند. در واقع قدرت‌های بزرگ پیش از اقدام تهاجمی به دقت شرایط را می‌سنجند. مؤلفه‌هایی مانند موازنه قوا و واکنش‌های دیگر قدرت‌ها و تحرک‌های آن‌ها بررسی می‌شود. آن‌ها هزینه و سود اقدام‌های خود را وزن می‌کنند (Mearsheimer, 2001:37)؛ بنابراین با دقت در این رویکرد واقع‌گرایانه می‌توان نمای روشنی از تغییر رویکرد سیاست خارجی روسیه با تکیه بر افزایش قدرت در متن مداخله در خاورمیانه را مشاهده کرد. مسکو در این مسیر از سال ۲۰۱۵ با تغییر دادن شرایط در سوریه به سود بشار اسد توانست قدرت جهانی خود را تا حد مناسبی افزایش دهد و فراتر از اینکه در مبارزه با داعش پیروز شده، اینک کرملین به بخشی از راه‌حل معادلات جهانی برای بحران در خاورمیانه تبدیل شده است.

۴- چرخش به شرق در روسیه

روسیه در دور چهارساله ریاست دیمیتری مدودیف مسکو تلاش کرد رابطه با غرب و به‌ویژه ایالات متحد را بهبود ببخشد، اما از نگاه روس‌ها موفقیتی ایجاد نشد. روسیه و آمریکا با اجرای سیاست «بازشروع» با تمایل اوپاما و مدودف به دنبال تغییر در روابط دوجانبه بودند (کولایی، ۱۳۹۰: ۸۱)؛ اما این سیاست خیلی زود شکست خورد. سقوط حکومت معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ با حمله‌های ناتو در لیبی، سبب شد کرملین خود را فریب‌خورده در این توافق بداند. در واقع مسکو از ابتدای خیزش‌های عربی، تلاش کرد با احتیاط کامل رخدادها را مورد بررسی قرار دهد. سقوط حکومت قذافی به بحث داخلی بی‌سابقه‌ای در روسیه منجر شد که دیدگاه تندروتر ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر بر مدودیف غالب شد. مداخله غرب در لیبی، به‌عنوان چالش اساسی برای منافع ملی روسیه معرفی شد (Dannreuther, 2015).

میخائیل بوگدانف معاون وزیر امور خارجه روسیه و نماینده ویژه ولادیمیر پوتین در امور آفریقا و غرب آسیا چنین بیان کرد: «در موضوع لیبی ما گفتیم چرا بمباران کردید؟ گفتند در بیانیه شورای امنیت عبارت تمامی تدابیر و اقدام‌های لازمه است و آن‌ها این‌گونه تفسیر کردند که مثلاً ما (ناتو) الآن می‌خواهیم بمباران کنیم. رفتند و هر اقدامی که تمایل داشتند را به اجرا درآوردند. اینجا بود که روسیه تصمیم گرفت در مورد سوریه از حق وتوی خود بدون هیچ حرجی استفاده کند.» (بوگدانف، ۱۳۹۶: ۱۷) پس از رویدادهای لیبی روس‌ها با تغییر سیاست خود و با تکیه بر واقع‌گرایی تهاجمی تلاش کردند با جدا کردن رخدادهای بهار عربی و بررسی کشور به کشور، سیاستی را در پیش بگیرند که کدام ناآرامی و چگونه می‌تواند منافع روسیه را به خطر بیندازد (Sladden, 2017) و با دخالت در کدام رخدادها می‌توانند به افزایش قدرت خود کمک کنند. به همین دلیل روسیه حضور فعالی در بحران سوریه داشت، اما در مسائلی مانند یمن یا بحرین نقشی کمتر از حداقل را بازی کرده است. حضور و تلاش‌های روسیه در خاورمیانه را نباید تنها به دلیل منافع منطقه‌ای مسکو در خاورمیانه دانست، بلکه باید آن را در چارچوب تلاش‌های روسیه برای ایفای نقش یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار جهانی دید که بر افزایش قدرت بر اساس استفاده از فرصت‌طلبی‌های سیاسی بنا شده است (کولایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

جایگاه ایران در سیاست چرخش به شرق روسیه را می‌توان بر اساس راهبرد مسکو برای ایجاد تعادل میان دو وضعیت همکاری با ایران و تأمین نیازهای تسلیحاتی و آن و همچنین همکاری با غرب در کنترل قدرت ایران و فشار بر آن توصیف کرد. روسیه با پیگیری رویکرد دوگانه «کنترلی و تعدیلی» به روابط خود با ایران می‌نگرد (کولایی و زرگری، ۱۳۹۷: ۳۷). روسیه و ایران در ابعاد ژئوپلیتیک و اقتصادی در تنش با غرب و به‌ویژه ایالات متحد قرار دارند. همین موضوع نقطه اشتراک و مهم‌ترین دلیل نزدیکی دو کشور شده و ضرورت‌های همکاری را افزایش داده است (Tarock, 2018: 521).

با تغییر شرایط در روابط روسیه و آمریکا در سال ۲۰۱۱ و با احساس خطر نسبت به تهدید آمریکا، روسیه با تأکید بر چرخش به شرق تنوع بیشتری به سیاست خارجی خود داد که تحکیم روابط با چین، اگرچه در رأس چنین سیاستی بود اما کرملین از نزدیکی به تهران به‌عنوان یک کارت چانه‌زنی سنتی علیه آمریکایی‌ها نیز غافل نشد. به‌ویژه اینکه با توجه

به نقش مهم ایران در سوریه این بار تهران از اهمیت بیشتری نیز برخوردار شد. حاصل این امر در همکاری‌های صنعتی - نظامی دو کشور، ارسال تجهیزات جنگ‌افزارهای الکترونیکی به ایران بود (Blank, 2011) فروش اسلحه روسی به تهران ابزاری است که نه تنها برای اقتصاد روسیه اهمیت دارد؛ بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای چانه‌زنی کرملین و کاخ سفید در سال‌های اخیر شناخته می‌شود (Shlapentokh, 2011: 190). رهبران روسیه توسعه روابط با ایران را در دوره زمانی توافق هسته‌ای با سیری صعودی افزایش دادند. پوتین برای اولین بار بعد از روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۲۰۱۵، به تهران سفر کرد و از فرودگاه مستقیم به دیدار رهبر جمهوری اسلامی رفت. علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبری، انتخاب پوتین در اینکه پیش از تشریفات رسمی به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای برود و همچنین محتوای نشست با درگیری مسائل راهبردی دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در گفتگوی دوساعته را از ویژگی‌های منحصر به فرد این دیدار دانست و آن را «مهم‌ترین ملاقات در تاریخ جمهوری اسلامی ایران» خواند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی تقابل با غرب در سطوح مختلف میان رهبران دو کشور وجود دارد، هرچند هدف‌ها و انگیزه‌ها متفاوت است. در واقع سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران با روابط روسیه با کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، گره‌خورده است. از جمله آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه بیان داشت: «همکاری ایران و روسیه به ایزوله کردن آمریکا کمک می‌کند. ما قادریم تحریم‌های آمریکایی را شکست دهیم. همکاری برای مقابله مشترک با تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران و روسیه مفید است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

۵- سیاست منطقه‌ای ایران

پیش از آنکه موقعیت ایران در رقابت آمریکا و روسیه در خاورمیانه بررسی شود لازم است به سیاست ایران در خاورمیانه نگاهی داشته باشیم. رویکرد ایران به آنچه در خاورمیانه می‌گذرد متأثر از دو راهبرد واقع‌گرایانه و ایدئولوژیک است. محور مقاومت به‌عنوان هسته سیاست خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی، ترکیبی از این دو استراتژی را در خود جای داده است. این محور حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در کشورهایی مانند عراق، لبنان، یمن و سرزمین‌های اشغالی را در دستور کار خود دارد. هدف اصلی «محور مقاومت» مبارزه با اسرائیل و تلاش در راه آرمان‌های مردم فلسطین است که به‌عنوان یک راهبرد و اولویت پایدار در سیاست خارجی ایران به آن توجه می‌شود. از جمله رهبر ایران در سال ۲۰۱۲ بیان داشت: «هر جا، هر ملی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). این موضوع در هدف‌های ایدئولوژیک یک آرمان به نام وحدت مسلمانان را نیز دنبال می‌کند و اسرائیل در این راهبرد به‌عنوان یکی از موانع وحدت مسلمانان برآورد می‌شود. سردار یحیی رحیم صفوی مشاور آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب خود با عنوان «وحدت جهان اسلام، چشم‌انداز آینده» در این زمینه می‌نویسد: «تأسیس اتحادیه کشورهای اسلامی» هدفی بزرگ در حد و اندازه نظام‌های منطقه‌ای ارزیابی می‌شود که به گمان بسیاری به‌عنوان کارآمدترین بدیل ساختاری برای نظم نوین جهانی در قرن حاضر مطرح است» (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۲). در همین زمینه جمهوری اسلامی ایران، انقلاب‌های عربی در

خاورمیانه و شمال آفریقا را به‌عنوان یک حرکت دینی برآورد کرد و آن را «بیداری اسلامی» نامید. از جمله رهبر جمهوری اسلامی در مارس ۲۰۱۱ در بحبوحه خیزش‌های عربی گفت: «به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است، حرکت با شعار اسلام است، حرکت به سمت هدف‌های اسلامی است، نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

باوجود تأکید ویژه بر هدف‌های ایدئولوژیک، نمی‌توان این عامل را تنها شاخص سیاست خاورمیانه‌ای ایران دانست. در واقع رهبران جمهوری اسلامی ایران، رخداد‌های خاورمیانه را تهدیدی علیه امنیت خود برآورد می‌کنند. در این زمینه تنهایی استراتژیک ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ در منطقه که تا حد زیادی خود را در جنگ هشت‌ساله با رژیم بعثی عراق نشان داد، سبب شده تهران به‌گونه‌ای در پی موازنه قدرت در منطقه باشد و از راهبرد ایدئولوژیک در جهت هدف‌های عمل‌گرایانه بهره برده است. رهبر انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۵ در مورد نگاه به امنیت گفته است: «امنیت زیرساخت همه پیشرفت‌های یک ملت است، اگر امنیت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست نه سعادت عمومی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). ایشان در سال ۲۰۱۶ برای نخستین بار علاوه بر توان دفاعی از نیاز به توان تهاجمی گفتند. ایشان تأکید کرد: «با توجه به موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و همچنین حساسیت منطقه غرب آسیا و طمع دائمی قدرت‌های سلطه‌گر برای تأمین امنیت ملت، کشور و آینده، باید علاوه بر توان دفاعی، توان تهاجمی را نیز افزایش داد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). به‌طور کلی برخی تحلیلگران معتقدند سیاست خارجی ایران در اصل بقا محور است. کنت والتز در این زمینه در مقاله‌ای رفتار ایران را مانند دیگر بازیگران نظام بین‌الملل بقا محور دانسته که در پی حفظ امنیت خود بوده و بر اساس محاسبات قدرت تصمیم‌گیری می‌کند (Waltz, 2012:4). بر همین مبنا است که ایران بحران سوریه را برنامه‌ای اسرائیلی-آمریکایی تفسیر کرده که هدف نهایی آن ضربه به جمهوری اسلامی است. از نگاه تهران تغییر رژیم در سوریه، مقدمه‌ای برای تغییر رژیم در ایران است. این ارزیابی سبب شده تا دفاع از بشار اسد نیز از ابتدای درگیری‌ها در سوریه یک اولویت مهم برای ایران باشد (Wimmen&Assburg, 2013:24-23). در یکی از اظهارنظرها در مورد لزوم حمایت از سوریه، مهدی طائب، رئیس قرارگاه عمار، در ایران گفت: «سوریه استان سی و پنجم و یک استان راهبردی برای ماست. اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد، اولویت با این است که ما سوریه را نگه‌داریم. چون اگر سوریه را نگه‌داریم، می‌توانیم؛ خوزستان را هم پس بگیریم؛ اما اگر سوریه را از دست بدهیم، تهران را هم نمی‌توانیم نگه‌داریم» (روزنامه کیهان، ۱۳۹۱).

۶- جایگاه ایران در رقابت خاورمیانه‌ای روسیه و آمریکا

در مورد هدف‌های روسیه از بازگشت به خاورمیانه در سطح منطقه‌ای و جهانی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. الکساندر ترینین تحلیلگر روس، سیاستی مجزا به نام سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را تقریباً رد می‌کند. به نظر او روسیه از حضور در خاورمیانه به‌عنوان ابزاری برای بازگشت به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی استفاده می‌کند. روسیه به دنبال این است که آمریکا، آن را به‌عنوان یک تصمیم‌ساز جهانی بشناسد؛ بنابراین حضور در سوریه باهدف نهایی دفاع از بشار اسد

یا یک سیاست خاورمیانه‌ای نیست (Trenin, 2017:52). کرملین در خاورمیانه به دنبال کاهش تمایل کنونی دولت‌های خاورمیانه‌ای به روابط همه‌جانبه با غرب و همچنین تأکید بر اهمیت امنیت در خاورمیانه و کاهش نفوذ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غرب است. از نگاه روسیه، ایالات متحد با برنامه‌های اقتصادی در پی تغییر نظام‌های سیاسی در منطقه است (Alterman, 2017).

در گزارش گروه مطالعه سوریه در «موسسه صلح ایالات متحد» در مورد وضعیت سوریه و رقابت روسیه و آمریکا آمده است: «روسیه برای نخستین بار پس از چند دهه، خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم در سیاست منطقه‌ای زنده کرد. حضور نظامی محدود ایالات متحد، با پشتیبانی نیروی هوایی و دیگر توانایی‌های بسیار تقویت‌شده توسط ائتلاف جهانی متحدان و شریکان و گردآوردن شریکان محلی به‌اندازه کافی برای آزاد کردن قلمرو از یک گروه تروریستی را باید موردتوجه قرارداد. آنچه نیروهای آمریکایی و شریکان آن‌ها در سوریه به دست آورده‌اند، نباید با عقب‌نشینی زودرس دور ریخته شود» (Syria Study Group Final Report, 2019). به نظر می‌رسد دونالد ترامپ نیز در افق همین سیاست در خاورمیانه نقش داشته است. باوجود تلاش‌های او‌باما برای کاهش حضور مستقیم ایالات متحد در خاورمیانه، ترامپ با حفظ نیروهای خود در سوریه، تقویت پایگاه‌های خود در عراق و همچنین ایجاد نوعی مثلث ائتلافی با عربستان و اسرائیل برای حفظ و ارتقاء جایگاه آمریکا در منطقه و مقابله با اقدام‌های روسیه و البته ایران کوشیده است. دولت ترامپ با اقدام‌هایی مانند انتقال سفارت ایالات متحد از تل‌آویو به بیت‌المقدس و همچنین معامله قرن تلاش کرد روابط با اسرائیل را به‌عنوان متحد اصلی خود در سطحی کم‌سابقه افزایش دهد. این موضوع از آن‌جهت اهمیت دارد که اسرائیل در برنامه خاورمیانه‌ای روسیه هم جایگاه ویژه‌ای دارد. مسکو به دنبال نزدیکی بیشتر به تل‌آویو بوده است. این در حالی است که با فشار حداکثری به ایران، واشینگتن به‌طور خودکار روابط خود با عربستان را هم تقویت کرد. درحالی‌که توافق هسته‌ای در دوران او‌باما، موجب تردید ریاض نسبت به کاخ سفید شده بود، ولی ترامپ تلاش کرد بار دیگر ایالات متحد را به‌عنوان یک متحد استراتژیک و ضامن امنیت عربستان نشان دهد.

باوجود چنین تلاش‌هایی ترامپ نیز تمایلی به افزایش حضور مستقیم در سوریه به‌منظور تغییر معادله از خود نشان نداد. البته تا حدی مواضع واشینگتن در این زمینه نسبت به دوره او‌باما تقویت شد تا کاخ سفید نشان دهد تمایلی به حاشیه‌نشینی کامل در رقابت با روسیه ندارد (جهانگیری، ۱۳۹۸: ۶۲). در حدود یک دهه گذشته برخلاف روس‌ها که به دنبال بیشینه‌سازی قدرت در خاورمیانه بر اساس واقع‌گرایی تهاجمی بوده‌اند، این رویکرد در آمریکا به دلیل ملاحظات سیاست داخلی در این کشور و نیز به دلیل توجه بیشتر واشینگتن به پکن کاسته شده است؛ بنابراین آمریکا تلاش کرده در جهت حفظ وضع موجود، با حمایت از متحدان سنتی خود مانند کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل، به‌نوعی ائتلاف‌سازی در برابر مخالفان خود در منطقه (ایران و روسیه) شکل بدهد تا از گسترش نفوذ تهران و مسکو جلوگیری کند. برای پیشرفت در این مسیر، واشینگتن پیگیری هدف‌های خود را با استفاده از کنترل منابع انرژی در منطقه مانند حضور در حوزه‌های نفتی سوریه، ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای و تقویت مشارکت کشورهای عرب منطقه در طرح‌های

آمریکایی دنبال کرده است. توافق‌های صلح میان اسرائیل با امارات و بحرین که به شکل بی‌سابقه‌ای در ماه‌های پایانی ریاست جمهوری ترامپ شکل گرفت، نمودی از تلاش‌های جدید در سیاست خاورمیانه‌ای کاخ سفید بود.

اقدام‌های بازدارنده آمریکا برای جلوگیری از ایجاد یک نظم غیر آمریکایی در خاورمیانه در حالی بوده که مسکو هم‌زمان با اینکه در پی کاهش نفوذ ایالات متحد است، در برابر هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای قرار نگرفته و تقویت روابط با ایجاد نوعی تعادل را در دستور کار قرار داده است (Wasser, 2019). از نظر پژوهشگران آمریکایی نیز حضور روسیه در خاورمیانه را نباید معطوف به هدف‌هایی در سوریه دید، بلکه مسکو هدف‌های بلندمدتی را در منطقه دنبال می‌کند که به تضعیف منافع آمریکا در منطقه منجر شود. از جمله تقویت روابط با کشورهایمانند ترکیه، اسرائیل و مصر، عربستان که به‌طور سنتی از متحدان ایالات متحد در منطقه هستند از مهم‌ترین هدف‌هایی است که روسیه در چارچوب ثبات بخشیدن به جایگاه خود دنبال می‌کند (Goldenberg and Smith, 2017). در همین زمینه روابط مسکو و تل‌آویو از اهمیت زیادی برخوردار است (کولایی و عزیزی، ۱۳۹۹). اهمیت این رابطه بارها از زبان پوتین نیز شنیده شده است، از جمله اینکه رئیس‌جمهور روسیه از حدود یک میلیون و پانصد هزار روس تبار در اسرائیل که زبان روسی را می‌دانند و حامل فرهنگ روسی هستند، نام‌برده که با دوستان و بستگان خود در روسیه در ارتباط هستند. همین موجب شکل‌گیری رابطه‌ای ویژه میان روسیه و اسرائیل می‌شود (Keinon, 2016).

علاوه بر این روس‌ها از روابط گسترده با اقتصادهای پیشرفته غربی و به‌ویژه آمریکا در سال‌های اخیر، به سبب تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا بازمانده‌اند. مسکو به‌خوبی می‌داند که مواد و منابع خام روسی در کنار صنایع سنگین و پیشرفته اسرائیلی می‌تواند مشارکتی پرسود را برای روسیه رقم بزند. نکته مهم در بحران سوریه این است که با وجود همکاری روسیه و ایران در سوریه، مسکو از ابتدای حضور نظامی خود در این کشور هماهنگی‌هایی را با تل‌آویو داشته است (Rodman, 2015: 167). حمله‌های جنگنده‌های اسرائیلی به مواضع نیروهای طرفدار ایران و به‌ویژه حزب‌الله، بدون آنکه روس‌ها اعتراض جدی به این موضوع نشان دهند، یکی از نشانه‌هایی است که روسیه چه اندازه به منافع اسرائیل در سوریه احترام می‌گذارد. همچنین در نگاه بلندمدت روسیه نیز از چنین موضوعی حمایت می‌کند. روسیه مایل نیست کشور دیگری جز آ در سوریه باقی بماند. به‌ویژه اینکه حضور ایران در نزدیکی اسرائیل باشد. پایگاه دریایی روسیه در بندر ترتوس و پایگاه هوایی در حمیمیم برای این کشور، از اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار جدی برخوردار است که فرصت مانور برای آن‌ها را در دریای مدیترانه فراهم می‌کند. در دسامبر ۲۰۱۷ وزیر دفاع روسیه گفت: «روسیه استقرار نظامی دائمی در پایگاه‌های دریایی و هوایی سوریه را آغاز کرده است» (Reuters, 2018).

ولادیمیر پوتین اولین بار به‌طور روشن و آشکار در دیدار با بشار اسد در ماه مه ۲۰۱۸ در سوچی، بر لزوم خروج همه نیروهای خروجی تأکید کرد. او گفت: «در رابطه با پیروزی‌ها و موفقیت‌های مهم ارتش سوریه در مبارزه با تروریسم، با شروع یک بخش فعال‌تر، با شروع روند سیاسی در مرحله فعال‌تر آن، نیروهای مسلح خارجی از قلمرو جمهوری عربی سوریه باید خارج شوند» (Qiblawi, 2018). روز بعد از این سخنان مشاور پوتین در امور سوریه با اشاره به طرف‌های خارجی که باید سوریه را ترک کنند، از ایران هم نام برد. الکساندر لاورنتیف گفت: «این بیانیه شامل

همه نیروهای خارجی در سوریه از جمله ترکیه، آمریکا، ایران و حزب الله می‌شود» (Bachner, 2018)؛ اما تنها سوریه نیست، مسکو نگاه ویژه‌ای نیز به کشورهای عرب منطقه دارد. برای روسیه این کشورها می‌توانند فرصتی مهم باشند که با خرید سلاح روسی یا سرمایه‌گذاری در این کشور، بخشی از دغدغه‌های اقتصادی مسکو را حل کنند. در همین زمینه الکساندر میکایف مدیرعامل صادرکننده اسلحه دولتی روسیه، گفته است: «روسیه قراردادهایی به ارزش ۸ میلیارد دلار امضا کرده است. سفارش‌های کشورهای خاورمیانه حدود ۲۰ درصد از صادرات تسلیحات روسیه را تشکیل می‌دهد. تسلیحات روسیه توجه بحرین، مصر، مراکش، عربستان سعودی، امارات متحد عربی و تونس را به خود جلب کرده است (RT, 2017). در واقع با وجود توافق با ایران باهدف رویارویی با هژمونی آمریکا در منطقه، روسیه ملاحظه‌های ایدئولوژیک در روابط خود ندارد و از هر فرصتی برای بهبود روابط با واشینگتن یا متحدان منطقه‌ای آمریکا استقبال می‌کند (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). فئودور لوکیانف، سردبیر روسیه در مجله امور جهانی و رئیس هیئت‌رئیس شورای سیاست‌های دفاعی و خارجی گفت: «حمایت عمدی از شیعیان در برابر سنی‌ها خودکشی خواهد بود» (Rezaei, 2019: 73).

درحالی‌که ایران بر اساس آرمان‌های ایدئولوژیک و منافع امنیتی خود در پی تضعیف ایالات متحد در منطقه، مقابله با اسرائیل و مهار عربستان است، روسیه نشان داده در چنین سطوحی با ایران اختلاف دارد و تمایلی ندارد که در این نمانده‌ها به سود ایران حضور یابد. روسیه برای دستیابی به هدف‌های اصلی خود از حضور در خاورمیانه، نیازمند این است که از هرگونه درگیری در این منطقه پرهیز شود. درگیری میان ایران و اسرائیل یا ایران و عربستان به منافع روسیه ضربه می‌زند (Antonyan, 2018: 8).

روسیه با ابزار ایران تلاش کرده است تا گسترش نفوذ آمریکا را مهار و نقش خود را در خاورمیانه تقویت کند. باین‌حال مزایای اقتصادی و سیاسی همکاری با ایران، همواره با نوع واکنش‌های غرب مربوط بوده است. در واقع بهره‌گیری از این همکاری بر اساس اصل سود و هزینه تا زمانی است که روس‌ها هزینه بیشتری را پرداخت نکنند. (Omelicheva, 2012: 333). در همین زمینه ولادیمیر ساژین کارشناس سیاسی و خاورشناس روس می‌نویسد: «روسیه، ابرقدرت جهانی، و ایران، ابرقدرت منطقه‌ای، هر دو نقش مهمی در خاورمیانه بازی می‌کنند. تأثیر و نفوذ این دو کشور در تمام نقاط جهان به‌ویژه نقاط مهم در خاورمیانه مشهود است.» اما از دیدگاه او نیز روابط تهران- مسکو در چندضلعی روسیه، آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی قرار می‌گیرد (ساژین، ۲۰۱۷). تحلیل‌گران روسی لزوم حفظ سطح مشخصی از گفتگوهای مثبت با غرب و در درجه اول با آمریکا از سوی روسیه را نخستین نیروی محرکه در روابط مسکو با تهران می‌دانند (Kozhanov, 2015: 3-4). در واقع نزدیکی روسیه و ایران تا زمانی ادامه خواهد داشت که رابطه یکی از دو طرف با ایالات متحد از حالت مقابله و تنش خارج شود. این موضوع در سال ۲۰۰۹، هنگامی‌که روسیه با اجرای سیاست «بازشروع» روابط با آمریکا را بهبود بخشید و نیز هنگامی‌که ایران با توافق هسته‌ای تنش با ایالات متحد را کاهش داد، به‌خوبی قابل‌دیدن است. در هر دو مورد، پس‌از این رخدادها رابطه ایران و روسیه نیز شاهد کاهش همکاری دو کشور بود (Mousavi & Naeni, 2019: 53).

۷- نتیجه

حضور نظامی مستقیم روسیه در خاورمیانه که در نگاه نخست برای حمایت از رژیم بشار اسد دیده می‌شود، در ابعاد بزرگ‌تر شامل مقابله با سیاست «تغییر رژیم» از سوی آمریکا و همچنین در چارچوب بازسازی خود به‌عنوان یک قدرت جهانی در برابر ایالات متحد است. علاوه بر این، روسیه به دنبال این بوده است که در آینده سوریه تنها دولت خارجی باشد و بتواند از بستر پایگاه‌های دائمی خود، یک نفوذ ژئوپلیتیکی بسازد تا در قالب واقع‌گرایی تهاجمی از فرصت پیش‌آمده در سوریه برای بیشینه‌سازی قدرت خود در خاورمیانه سود ببرد. مسکو در راهبرد خود نیاز به بهبود روابط با اسرائیل، عربستان و دیگر کشورهای خاورمیانه را نیز احساس می‌کند و اقدام‌هایی را نیز در این زمینه انجام داده است. گسترش روابط با اسرائیل یکی از مهم‌ترین نمودهای تحول در سیاست خاورمیانه‌ای آن بوده است. این سیاست مسکو در حالی موجب پیشروی منافع آن‌ها در منطقه شده است که آمریکا در حدود یک دهه گذشته، نسبت به بازیگری فعال در خاورمیانه، به‌ویژه با استفاده از ابزار حضور نظامی بی‌میل بوده است؛ بنابراین در متن قدرت‌یابی روس‌ها در منطقه، ایران به‌عنوان یکی از کارت‌های موردتوجه کرملین، در این بازی فرصت بیشتری یافت تا جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا بخشد. در این زمینه، موفقیت در حفظ بشار اسد را باید نقطه کانونی آن دانست.

با این حال روسیه نشان داده تمایلی ندارد به سپر ایران در برابر آمریکا تبدیل شود. در این زمینه اصل هزینه و فایده از اهمیت بسیاری در محاسبه‌های کرملین برخوردار خواهد بود. علاوه بر این سیاست خارجی ایران و روسیه با وجود اشتراک‌هایی در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا؛ در خاورمیانه تفاوت‌های قابل‌توجه دارد. ایران برخلاف روسیه این منطقه را بخشی از امنیت ملی و بقا خود برآورد می‌کند. از این رو، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در اصل شیعه، با عنوان «محور مقاومت» علیه اسرائیل و دسترسی به حزب‌الله لبنان از مسیر سوریه، بخش مهم سیاست ایران در خاورمیانه است. چنین تفاوت‌هایی نشان می‌دهد رقابت روسیه و آمریکا، اگرچه در کوتاه‌مدت به تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران منجر شده است، اما این رقابت به دلیل عامل‌های دیگری مانند رابطه مسکو و تل‌آویو، تفاوت‌های راهبردی ایدئولوژیک مذهبی و همچنین نوع نگاه به ایالات متحد در میان ایران و روسیه، قابلیت اتحاد راهبردی میان تهران و مسکو و در نتیجه ارتقاء بلندمدت ایران از راه رقابت میان روسیه و آمریکا را ندارد.

منابع

- بوگدانف، میخائیل، (۱۳۹۶)، اشتباه ما این بود که به آمریکایی‌ها اعتماد کردیم، مطالعات سیاست خارجی، تهران، سال دوم، شماره هفتم،
- جهانگیری، سعید و همکاران (۱۳۹۸)، بررسی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه (هدف‌ها و منافع)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شماره سی و هشتم، صص ۵۳-۷۶.
- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۴)، مهمترین نکته رهبر انقلاب در دیدار با پوتین،
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1954069>
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۳)، ۲۰ جمله از رهبر انقلاب درباره موضع جمهوری اسلامی نسبت به اسرائیل،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28850&p=2>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰،
<https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=11804&nt=2&year=1390&tid=1648>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31024>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵)، بازدید فرمانده کل قوا از نمایشگاه صنعت دفاعی و دیدار با مسئولان و متخصصان وزارت دفاع،
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34213>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، دیدار رئیس جمهوری روسیه با رهبر انقلاب.
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=38052>
- ساژین، ولادیمیر (۲۰۱۷)، «روسیه- ایران: نتایج سال ۲۰۱۶»، اسپوتنیک، در:
<https://ir.sputniknews.com/opinion/201701042114955/>
- رحیم صفوی، یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام، چشم‌انداز آینده، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام، شکیب، تهران
- روزنامه کیهان، (۱۳۹۱/۱۱/۲۹)، «حمایت از سوریه چه ربطی به دفاع از خوزستان دارد؟!»، شماره پیاپی ۲۰۴۳۲
- کولایی، الهه و سلطانی‌نژاد، محمد، (۱۳۹۵)، علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۳، پاییز، صص ۹۴-۱۳۵
- کولایی، الهه، خاشع، جعفر و رضازاده، حبیب، (۱۳۹۰)، «روابط روسیه و آمریکا در پرتو سیاست از سرگیری اوباما»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۹-۳۷.
- کولایی الهه، کاویانی، پیمان و عقیقه، عابدی، (۱۳۹۷)، دگرگونی و تداوم در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، رانه‌ها، دستاوردها و چالش‌ها، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰ شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۵۲
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه، (۱۳۹۶)، «فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۱۹۹۰-۲۰۱۶»، مطالعات روابط بین-الملل، سال دهم، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۶۴.

- کولایی، الهه و عزیزی، حمیدرضا، (۱۳۹۹)، زمینه‌ها، عامل‌ها و پیامدهای تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Alterman Jon B. Russia(2017), the United States, and the Middle East, Center for Strategic and International Studies (CSIS),
<https://www.csis.org/analysis/russia-united-states-and-middle-east>
- Asseburg, Muriel & Wimmen, Heiko (2013). The civil war in Syria and the impotence of International politics, in: Marc v. Boemcken et al. (ed.): Peace Report, LIT-Verlag
- Bachner Michae (2018), Tehran Rejects Russian Call for Iranian Forces to Eventually Leave Syria, Times of Israel,
<https://www.timesofisrael.com/tehran-rejects-russian-call-for-iranian-forces-to-eventually-leave-syria>.
- Baev, Pavel.K (2015), Russia's policy in the Middle East imperilled by the Syrian intervention, The Norwegian Peacebuilding Resource Centre
- Dannreuther Roland, Russia and the Arab Spring: Supporting the Counter-Revolution, Journal of European Integration, 2015, Vol. 37, No. 1, 77-94
- Duke, S (2004), The European Security Strategy in a Comparative Framework: Does it Make for Secure Alliances in a Better World, European Foreign Affairs Revue, Vol. 9, No. 4, pp.459-481
- Freedman, Robert O. (2006). Russia, Iran and the Nuclear Question: The Putin Record, The Strategic Studies Institute(SSI) of the U.S. Army War College, pp.1-54, in:
<http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/pub737.pdf>
- Ilan Goldenberg, Julie Smith (2017), U.S.-Russia Competition in the Middle East Is Back, Foreign Policy,
in: <https://foreignpolicy.com/2017/03/07/u-s-russia-competition-in-the-middle-east-is-back/>
- Katz Yaakov and Bohbot Amir (2017). How Israel Sold Russia Drones to Stop Missiles from Reaching Iran, Jerusalem Post.
- Keinon Heber (2016). "Putin Reaffirms Israel-Russia Ties", Jerusalem Post, in:
<https://www.jpost.com/israel-news/politics-and-diplomacy/putin-reaffirms-mutual-ties-470690>
- Kozhanov, Nokolay, (2015), "Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations", Carnegie, in: <http://carnegieendowment.org/files>
- John J. Mearsheimer (2001), The Tragedy of Great Power Politics, W.W. Norton company Ltd, New York,
- J. Blank, Stephen (2011), Russian Military Politics & Russia's 2010 Defense Doctrine, Strategic Studies Institute (SSI), United States.
- Mariya Y. Omelicheva (2012), "Russia's Foreign Policy toward Iran: A Critical Geopolitics Perspective", Journal of Balkan and Near Eastern Studie ,Vol. 14, No. 3, September 2012, pp. 331-344
- Mousavi, Hamed and Naeni Amin (2019), Iran and Russia Pivot to the East: Was It U.S. Pressure? Middle East Policy, Vol. XXVI, No. 3,

- Reuters (2018), Russia establishing permanent presence at its Syrian bases: RIA, <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-russia-bases/russia-establishing-permanent-presence-at-its-syrian-bases-ria-idUSKBN1EK0HD>
- Rodman, David (2015) Russia and Israel in the changing Middle East, *Israel Affairs*, Vol. 21:1, pp: 45-64
- Russia today (2017), Russian weapons sales to Middle East soar, in: <https://www.rt.com/business/410410-russias-arms-sales-middle-east/>
- Qiblawi Tamara, All Foreign Forces to Leave Syria, Putin Tells Assad, CNN, May 18, 2018, <https://edition.cnn.com/2018/05/18/middleeast/assad-putin-intl/index.html>
- Shlapentokh Dmitry (2011), Putin's Moscow approach to Iran: Between pragmatism and fear, *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol. 13, No. 2, pp.189-213
- Sladden James, Wasser Becca, Connable Ben, Grand-Clement Sarah(2017), "Russian Strategy in the Middle East, Rand Corporation in: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE236.html>
- Syria Study Group Final Report (2019), The United States Institute of Peace, in: <https://www.usip.org/syria-study-group-final-report>
- Tatev M. Antonyan (2017). Russia and Iran in the Syrian Crisis: Similar Aspirations, Different Approaches, *Israel Journal of Foreign Affairs*, Vol. 11, No. 3 (2017): 337-348.
- Tarock Adam, (2017), "Russo–Iranian Relations in the Post-Soviet Era," *Diplomacy and Statecraft*, 28, No. 3, pp. 518-537.
- Trenin, Dimitry (2017) "Putin's Plan for Syria How Russia Wants to End the War", *Foreign affairs*, https://www.foreignaffairs.com/articles/syria/2017-12-13/putins-plan-syria?cid=nlc-fa_fatoday-20171213.
- Trenin, Dimitry. Malashenko, Alexey, (2010), *Iran; A view from Moscow*, Carnedie endowment. Carnegieendowment.org
- Waltz Kenneth N., (2012) "Why Iran Should Get the Bomb: Nuclear Balancing Would Mean Stability," *Foreign Affairs*, Vol. 91, No. 4, pp. 2-5.
- Wasser Becca (2019), *The Limits of Russian Strategy in the Middle East*, Rand, in: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE340.html>
- Zakaria, Fareed (1998), *From Wealth to Power: The Unusual Origins of American's World Role*, Princeton, NJ: Princeton University Press

The Impact of Russia-US Middle East Competition on Iran's Regional Position (2011-2019)*

Elahe Kolaei¹, Amin Naeini²

Received: 2020/09/20

Accepted: 2021/01/14

Abstract

Russia's direct military presence in the Syrian civil war since 2015 has made one of the most important strategic changes in the Middle East equation. Russia has been embroiled in a geopolitical conflict with the United States since the strengthening of its eastward rotation policy in 2012, then annexation of Crimea to its territory in 2014, and finally in 2015, with military intervention in Syria to the worst of relations between the two. A global actor will emerge after the end of the Cold War. The rivalry between Moscow and Washington resumed in the Middle East after the Cold War, as the Islamic Republic of Iran sought to maintain and strengthen itself in the wake of the Arab Spring. Due to Iran's general policies in the region, which are based on undermining the American order, Tehran has expanded its relations with Russia in recent years. This relationship has reached an overlap of interests in "keeping Bashar al-Assad in power." This article uses a qualitative and analytical method to consider the relations between Iran, Russia, and the United States in the form of an interconnected cycle and to evaluate the impact of the Russian-American competition to show that such competition has helped increase Iran's influence in the Middle East over the past decade.

Keywords: Iran, USA, Middle East, Russia, Competition

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹. Professor of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author) ekolae@ut.ac.ir

². Graduate of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

*This article has been produced with the financial support of the Central Eurasia Center of the University of Tehran.